

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

سبوشکن!!!

(از خاطرات گذشته)

به اقتفاء ازین شعر «یغما جندقی»

نگاه کن که نریزد، دهی چو باده به دستم
فدای چشم تو ساقی، به هوش باش که مستم

به دست خود که ز یک توبه ای سبو بشکستم بهار را چه کنم کز بریدن است دو دستم
چه جامها که کشیدند و جرعه ای نچشیدم چه جوش گل که گذشت و به دلبری ننشستم
چه بارها که مرا دخت رز نشسته به پهلوی چه سر نهاده به دوشم، چه دست داده به دستم
چه روزها به خرابات، دیده اند خرابم به کوی میکه هم یافتند سرخوش و مستم
کنون که وقت گل و جوش سنبلیست و ریاحین اگر ز باده کشی نیستم، برای چه هستم
به یاد لعل لب تو چه خون دل که نخوردم به تار زلف سیاهت چه آرزو که نبستم
چه طعنه ها که ز مردم به عشق تو نشنیدم چه شیشه ها که ز سنگ جفا به دل نشکستم
چه اشکها که به یادت نریختم ز دو دیده چه رشکها که نبردند، با تو گر بنشستم
چه روزها که به سوز فراق، شام نکردم چه شامها که به ییاد تو تا سحر ننشستم

مکن دگر ز «اسیر» خود ای نگار تغافل

که گر ز دام تو جستم، بدان که جستم و رستم

(کابل عزیز - ۲ جوزای ۱۳۳۲ ش)